

تأثیر توانایی‌های مالی مدیران بر ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده در فعالیت اقتصادی بانک‌های خصوصی با رویکرد DEA

مهرناز حکمی^۱

سینا ابویی مهریزی^{۲*}

عمار فیضی^۳

امیر قربانی گوگردقی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی توانایی‌های مالی مدیران بر ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده در بانک‌ها خصوصی است. براساس صورت‌های مالی ۱۵ بانک خصوصی در طی بازه پنج سال از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ اقدام به جمع‌آوری داده‌های مبتنی بر مدل مفهومی در خصوص دو متغیر وابسته و مستقل گردیده است. سپس با توجه به ساختار توانایی‌های مالی مدیران و روند محاسبه با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها با رویکرد خروجی محور اقدام به محاسبه میزان توانایی مدیران در هر یک از بانک‌ها در طی بازه ۵ ساله شده است. در گام دوم اقدام به محاسبه میزان ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده براساس مدل مفهومی و فرمول مربوطه شده و در نهایت پس از انجام آزمون‌های معادلات رگرسیونی چند متغیره و همچنین انجام آزمون‌های پیش شرط و محاسبه میزان نرمال بودن داده‌ها اقدام به آزمون فرضیه اصلی برای مشخص شدن روابط و تأثیر بین متغیرها و ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان توانایی‌های مالی مدیران در بانک‌های خصوصی و سطح ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده رابطه معنادار و تأثیر مثبت وجود دارد.

واژگان کلیدی

توانایی مدیران، ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده، بانک‌های خصوصی، بورس اوراق بهادار تهران.

۱. دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی فیروزکوه، تهران، ایران.
(hakami.m2112@gmail.com)

۲. استادیار، دکتری مدیریت صنعتی، گرایش تولید و عملیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، تهران، ایران.
(abouie.phd@gmail.com: نویسنده مسئول)

۳. استادیار، دکتری مدیریت صنعتی، گرایش تولید و عملیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران.
(ammarfeyzi@live.com)

۴. دانشجوی دکتری (مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس)، حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد کاشان، اصفهان، ایران. (amirghorbani54@yahoo.com)

۱. مقدمه

روندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری دو مفهوم با مرزهای مشترک در ادبیات مدیریتی و ساختار سازمانی هستند. شکی نیست که روند تصمیم‌گیری یکی از اثربخش‌ترین و اساسی‌ترین امور مدیران در رده‌های بالا می‌باشد که متأسفانه اشتباهات انجام شده در این رده بسیار حساس و البته سرنوشت‌ساز است. در این بین لازم است که اقدام به ایجاد یک ساختار استاندارد برای جلوگیری از بروز چنین وضعیتی در سازمان گردد (حسینی القار و همکاران، ۱۳۹۵). از طرفی با توجه به نرخ بالای نقدینگی در بانک‌های خصوصی و لزوم سرمایه‌گذاری درست و اثربخش این نقدینگی در پروژه‌های مالی برای حفظ ارزش نقدینگی و سودآوری بیشتر برای پاسخگویی مناسب به نیازهای مالی شرکت و حفظ توان پاسخگویی به نیازهای مشتریان خود همه و همه باعث شده است که روند سرمایه‌گذاری برای حفظ ارزش نقدینگی بانک‌های خصوصی را پیچیده‌تر و مهم‌تر سازد و از آنجایی که انتخاب روند سرمایه‌گذاری نقدینگی بانک‌های خصوصی در پروژه‌های مالی سوده‌تر و اثربخش‌تر همه و همه به تصمیم درست مدیران برمی‌گردد در این بین لزوم مشخص شدن تأثیر و رابطه بین میزان توانایی مدیران بانک‌های خصوصی و میزان حفظ ارزش نقدینگی بانک‌های خصوصی در امور سرمایه‌گذاری را دو چندان نموده است به همین منظور این پژوهش با محوریت این سؤال که میزان توانایی‌های مدیران بر ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده در فعالیت اقتصادی بانک‌های خصوصی چه تأثیری دارد؟ و از طرفی با توجه به مشخص شدن مؤلفه‌های توانایی‌های مالی مدیران و تأثیرات هر یک می‌توان به منظور افزایش روند جذب سرمایه‌ها و بالا بردن ارزش نقدینگی سرمایه‌های بانک‌ها در روند سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی برای بالا بردن توانمندی آنان موثر واقع شد.

۲. مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نقش و ضرورت توانایی‌های مالی مدیران

باتوجه به اهمیت و نقش موثر مدیران در سازمان‌ها به منظور سازماندهی، هماهنگی، توسعه و پیش برد اهداف سازمانی لزوم تمرکز و توجه به فاکتورهای موثر بر توانمندی و مهارت‌های مدیران برای بهبود عملکرد سازمانی می‌رود، در همین رابطه عوامل موثر بسیاری در این خصوص نقش دارند تا بتواند مدیران در انجام عملیات و فرآیندهای سازمانی موفقیت بیشتری داشته باشند، مانند میزان توانایی در مدیریت هزینه‌های سازمانی به طوری که بتوانند تمامی ارکان اداری و همچنین راهبردهای سازمانی مرتفع شود و از هزینه‌های موازی و بیهوده جلوگیری به عمل آید. همچنین به نحوی درست سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که حداکثر سوددهی را برای سازمان به ارمغان آورد نیز یکی دیگر از مواردی است که لازم است مدیران برای حفظ ارزش دارایی‌های ثابت و در گردش سازمان و برای توسعه و رشد آنان اقدام به تدوین راهکارها و برنامه‌هایی اثربخش و جامع نمایند تا بدین واسطه بتوانند ضمن حفظ ارزش دارایی‌های فعلی سازمان در زمان حال باعث رشد آن در آینده گردند. زمینه دیگر مهم در روند توانایی و توانمندسازی مدیران نحوه و نوع نگرش آنان نسبت به به کارگیری و استخدام نیروها برای انجام فعالیت‌های سازمانی می‌باشد تا بدین واسطه بتوانند، ضمن ایجاد یک کادر ماهر و توانمند در سازمان، اهداف و سیاست‌های سازمانی را نیز به نحو مناسب منطبق با ایده آل‌های سازمانی تعیین نمایند. در این خصوص ضمن برگزاری دوره‌های آموزش برای افزایش توانمندی کارکنان می‌توان با

برگزاری آزمون های استخدامی و تعیین سطح از میزان توانایی و مهارت های کارکنان اطلاع پیدا کرد (روبین ای و همکاران^۱، ۲۰۱۷).

باتوجه به اهمیت و جایگاه ارتباطات در سازمان به منظور برقراری و انتقال موثر اطلاعات و رویه های سازمانی و همچنین نشان داده توانمندی و کارکردهای سازمانی به دیگر سازمان ها هدف و همچنین شرکت ها و مشتریان بالقوه و بالفعل به منظور مرتفع سازی اهداف تجاری و همچنین تامین نیازها، الگوها، رویه ها و هر آنچه برای پیشبرد اهداف سازمانی ضرورت دارد، لازم است که مدیران در زمینه برقراری ارتباطات از مهارت و توانمندی خوبی برخوردار باشند به طوری که بتوانند به بهترین نحو عملکرد و خروجی سازمان را برای مشتریان خود به نمایش گذارده و آنان را برای انعقاد قراردادهای تجاری با سازمان متقاعد سازند و از طرفی برای توسعه و رشد سازمان و همچنین برطرف سازی نیازهای سازمانی بتوانند با سازمان های تأمین کننده وارد مذاکره گردند و با حداقل هزینه بتوانند حداکثر محصولات و خدمات مورد نیاز سازمان خود را به بهترین کیفیت تامین نمایند که تمامی این موارد نیاز توانایی مدیران در برقراری ارتباطات را می طلبد. در این راستا نیز برای برقرار ارتباط سازنده با مشتریان و تامین کنندگان خارجی در کشورهای مختلف نیز لزوم اینکه مدیران توانایی اینرا داشته باشند که بتوانند قواعد و اصول بین المللی را برای برقراری یک ارتباط موثر با شرکت های خارجی و همچنین لزوم وجود دانش از قوانین بین المللی در انعقاد قراردادهای مالی و تجاری با شرکت های خارجی و وجود یک درک جامع از سلسله قوانین تجاری، مالی، بیمه، مالیاتی و حقوقی موجود در قواعد تجارت بین المللی همه و همه باعث می گردد که مدیران فعال در این حوزه به بهترین نحو ممکن از مسئولیت و وظیفه خود برآیند (داویدسون ار و همکاران^۲، ۲۰۱۵).

در نهایت مدیران به منظور حداکثرسازی سوددهی سازمان و همچنین بالا بردن ارزش برند سازمان لازم است که در این خصوص توانایی مدیریت مالی کارآمدی را از خود به نمایش بگذارند بطوری که بتوانند ضمن هزینه درست منابع سازمان در زمینه هایی که باعث می شود حداکثر سود را نصیب سازمان نماید بتوانند مدیریت موثری نیز در فعالیت های سرمایه گذاری و توسعه مالی شرکت داشته باشند تا بدین واسطه بتوانند ضمن حفظ ارزش مالی دارایی هایی سازمانی با تصمیم های بهنگام و دقیق مالی و سرمایه گذاری سود آتی شرکت را نیز افزایش داده و باعث سودآوری بیشتری برای سازمان در آینده گردد که تمامی این زمینه های در صورتی محقق می گردد که مدیران درک درستی از توانایی سازمان داشته باشند و همچنین بتوانند ارتباط دهی و جهت دهی مناسبی از این منابع سازمانی را در جهت تحقق اهداف سازمانی صورت دهند تا بدین واسطه باعث بالا بردن انعطاف و سوددهی سازمان گردد (وانگ زد و همکاران^۳، ۲۰۱۷).

دراین بین یکی از عواملی که می تواند بسیار موثر و مفید باشد وجود یک سیستم گزارش دهی مالی با کیفیت بطوری که بتوانند گزارش های مالی را در زمان مناسب و با کیفیت مطلب به صورتی که تمامی ارکان موجود در آن رعایت شده باشد نظیر ساختار مالی؛ جهت دهی مناسب رویه های مالی نظیر وام ها، جریمه های مالی، میزان رشد شرکت و همچنین نوع وام های اعطایی به سازمان و هزینه درست آنان در جهت تحقق اهداف سازمان و میزان انطباق آنان با استانداردهای مالی را می طلبد، به همین منظور سازمان هایی که دارای یک رویه گزارش دهی باکیفیت و منطبق بر استانداردها و رویه های مالی هستند می توانند جهت دهی و بستر مناسب تری را برای تصمیم گیری اثربخش تر مدیران فراهم سازد (گایونر ال ام و همکاران^۴، ۲۰۱۶).

¹ Rubin, A., & Segal, D

² Davidson, R., Dey, A., & Smith, A

³ Wang, Z., Chen, M. H., Chin, C. L., & Zheng, Q

⁴ Gaynor, L. M., Kelton, A. S., Mercer, M., & Yohn, T. L

مفاهیم ارزش نقدینگی

بر اساس ادبیات پیشین، پول نقد در شرکت‌هایی با سرمایه‌گذاری بیش از حد، نسبت به شرکت‌هایی با سرمایه‌گذاری کمتر از حد، ارزش کمتری دارد و میزان سرمایه‌گذاری بیش از حد، به گونه‌ای منفی با حاشیه ارزش وجه نقد نگهداری شده مرتبط است. حاشیه ارزش وجه نقد، افزایش ارزشی است که هر واحد وجه نقد می‌تواند برای یک سهم از سهام شرکت ایجاد کند. مطابق با تئوری مبادله‌ای، شرکتها سطح مطلوبی از نگهداری وجه نقد را به عنوان توازن بین منافع و هزینه‌های نگهداری وجه نقد نگهداری می‌کنند. دیدگاه تئوری سلسله مراتبی درباره نگهداری وجه نقد، برگرفته از تئوری سلسله مراتبی ساختار سرمایه است که توسط مایرز و ماجلوف توسعه داده شده است. بر اساس این تئوری، شرکتها در شرایط معمول سرمایه را به واسطه عدم تقارن اطلاعاتی هزینه بر می‌یابند، از این رو هنگام نیاز به منابع، بر بدهی اتکا می‌کنند و زمانی که منابع کافی دارند بدهی‌ها را در سررسیدشان پرداخت کرده، یا در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی مثبت سرمایه‌گذاری نموده یا در دارایی‌های نقدی انباشت می‌نمایند (سلیمانی، ۱۳۹۷).

ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده

یکی از ارکان مهم رشد و توسعه هر کسب و کاری سرمایه می‌باشد چرا که هر چه حجم سرمایه ورودی به کسب و کار بالاتر باشد شدت و توان رشد و توسعه آن کسب و کار به منظور تحقق اهداف از پیش تعیین شده رشد می‌نماید، از همین رو صاحبان کسب و کارها و صنایع مختلف به منظور جذب سرمایه بالا آوردن ضریب سرمایه‌گذاری در کسب و کارهایشان اقدام به اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهایی در این خصوص می‌نمایند تا بدین واسطه بتوانند بیشترین میزان سرمایه را برای توسعه و رشد حیطه عملیاتی و رقابتی کسب و کار خود ایجاد نمایند در این بین ارزش نقدینگی سرمایه جذب شده با توجه به وجود شاخص‌هایی چون تورم عدم ثبات نرخ ارز عدم وجود ثبات اقتصادی در صنعت مورد نظر پیچیده بودن ساختار اقتصادی آن ابهامات در روند اندازه‌گیری ارزش واقعی کار انجام شده همه و همه باعث می‌گردد که روند محاسبه ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده را با مشکل روبرو نماید. از طریق عوامل زیادی هستند که در ارزش نقدینگی سرمایه جذب شده تاثیرگذار هستند و هر چه میزان و شدت آن‌ها افزایش و یا تعدیل یابد و روند و فرایند ارزش نقدینگی سرمایه جذب و تاثیر می‌گذارد (کاشانیپور و نقی نژاد، ۱۳۹۵).

نقش ارزش نقدینگی در روند مالی شرکت‌ها

نظام حاکمیت شرکتی، شامل فرآیندهایی برای نظام راهبری تلاش‌های شرکت در راستای ارزش آفرینی برای سهامداران است و به عنوان ساز و کاری به منظور حمایت از منافع گروهی و فردی تمام مدعیان و ذینفعان شرکت محسوب می‌شود (حسن و بات، ۲۰۰۹).

منشأ اصلی پدیدار شدن ساز و کارهای نظام حاکمیت شرکتی، تعارضات ناشی از شکل‌گیری رابطه‌ی نمایندگی است. به اعتقاد جنسن و مکینگ (۱۹۷۹)، رابطه‌ی نمایندگی که بر اساس آن یک یا چند نفر مالک، شخص دیگری را به عنوان نماینده یا عامل از جانب خود منصوب و اختیار تصمیم‌گیری را به وی تفویض می‌کنند، دارای هزینه‌هایی نظیر، مخارج

نظارت مالکان بر عملکرد نماینده، مخارج التزام و زیان های باقیمانده است. هیئت مدیره ها یکی از ارکان حاکمیت در شرکت های امروزی به شمار می روند که اغلب از آنها به عنوان اهرم اجرایی اصول حاکمیتی شرکت و مسئول نظارت و سیاست گذاری در شرکت ها یاد می شود. اعضای هیئت مدیره اغلب توسط مالکان سهام انتخاب می شوند، در حالی که در برخی سیستم های حاکمیتی نوین، مجموعه نظرات کارکنان، نهادهای دولتی، سرمایه گذاران و عرضه کنندگان نیز در انتخاب آنان تأثیر گذار است. هیئت مدیره ها غالباً گروهی از افرادند که حق نظارت، کنترل، سیاست گذاری های کلان و حاکمیت بر یک شرکت خاص را در اختیار دارند این مجموعه از افراد (در قالب یک تیم کاری اثربخش) می بایست سلامت شرکتی را در حوزه های متنوعی همچون عملکرد مالی مناسب شرکت، قانونی بودن فعالیت ها، تناسب فرآیندها و اقدامات صورت پذیرفته شرکت با اهداف راهبردی شرکت، تضمین نمایند (کهندل، ۱۳۹۰).

سرمایه گذاری نوسان پذیرترین جزء مخارج کل است که در اقتصاد کلان مورد بحث قرار می گیرد (اخوی، ۱۳۷۹). سرمایه گذاری، فراگردی است که در آن، کالاهای سرمایه ای برای تولید کالاها و یا خدمات دیگر به کار می رود (تفضلی، ۱۳۷۳). سرمایه گذاری در حقیقت مربوط به افزایش ذخیره های کالاها و امکانات سرمایه ای و تولیدی یک جامعه است. معمولاً یک جامعه برای سرمایه گذاری، باید پس انداز های خود را تجهیز کند و قسمتی از تولید دوره فعلی خود را مصرف نکرده و برای ساختن ظرفیت های تولیدی به کار برد تا در دوره های آینده امکانات مصرفی بیشتری فراهم گردد (طیبیان، ۱۳۷۹). مطالعه سرمایه گذاری به دلیل نقش دو گانه ای که در اقتصاد ایفا می کند حائز اهمیت است؛ از یک سو بخش بزرگی از مخارج کل را شامل می شود و بدین سبب تغییر آن، اثر قابل توجهی بر تقاضا می گذارد و از سوی دیگر، نقش مهمی بر عرضه و تولید دارد؛ زیرا سرمایه گذاری بیانگر افزایش موجودی سرمایه است (کردیچه، ۱۳۸۵).

پیشینه پژوهش

(چانگ دیلو کی، ۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان چگونگی توانایی مدیران بلوغ بدهی های شرکت را تحت تأثیر قرار میدهد؟ بیان گردید که در هر چه میزان توانایی مدیران در سازمان بالاتر باشد توانایی آنها در بهبود سطح بلوغ بدهی های شرکت و مدیریت درست بدهی ها و نقدینگی شرکت را افزایش خواهد داد بطوری که هر چه مدیران تسلط بهتری در این خصوص داشته باشند باعث می گردد که سازمان سطح بلوغ و مدیریت بدهی های شرکت را بهینه تر مدیریت نماید و در واقع جریان نقدینگی در شرکت را بهبود خواهد بخشید. در این بین از روش تجزیه و تحلیل پوشش داده ها برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

(لین سی تی و همکاران، ۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی و سرعت تعدیل اهرم های مالی، بیان گردید که هر چه میزان توانایی های مدیریتی سازمان در سطح بالاتر و مطلوبتری قرار گرفته باشد باعث می شود جریان نقدینگی در شرکت دارای ظرفیت و پتانسیل بالاتری باشد و به همین منظور سرعت تعدیل اهرم های مالی در آن نیز تشدید میگردد و این فرآیند به دلیل تصمیم گیری های سریعتر، بهنگام تر و جامع تر مدیران در شرکت است این پژوهش با

بررسی چندین شرکت و با استفاده از تحلیل رگرسیون اقدام به بررسی میزان توانایی مدیریتی بر سرعت تعدیل اهرم های مالی نموده است.

(چانگ اچ و همکاران، ۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان ارزیابی توانایی مدیریتی در شرکت های ژاپن بیان گردید که هر چه میزان توانایی مدیران در روند تصمیم گیری و عملکرد های مالی آنان در سطح بالاتری قرار دارد منجر به افزایش اثربخشی سرمایه گذاریهای کوتاه مدت و بلند مدت آنان در شرکت شده است بطوری که در بررسی های صورت گرفته نشان میدهد که مدیران شرکت های که دارای توانایی بالاتری بوده و سطح توانمندی آنان بالاتر بوده است روند بهبود ارزش نقدینگی در شرکتشان در کوتاه مدت و بلند مدت نسبت به سایر بالاتر بوده است. در این بین از رگرسیون چند متغیره برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

(لین سی تی و همکاران، ۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان توانمندی مدیریتی و ساختار سرمایه شرکت بیان گردید که هر چه میزان توانایی و توانمندی مدیران در سطح بالاتری باشد باعث میشود که ساختار سرمایه گذاری در شرکت اثربخش تر و کارآمدتر باشد بطوری که در این خصوص میزان توانایی مدیران باعث تخصیص بهتر نقدینگی شرکت به جریان های مالی در شرکت می-شود و باعث می شود که سرمایه گذاری های صورت گرفته در شرکت اثربخش تر گردد و به همین دلیل ساختار سرمایه شرکت نیز بهبود و رشد خواهد یافت. این پژوهش با بررسی چندین شرکت و با استفاده از تحلیل رگرسیون اقدام به بررسی میزان توانایی مدیریتی بر ساختار سرمایه شرکت نموده است.

(لی سی سی و همکاران، ۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی و فرصت سرمایه گذاری شرکت بیان گردید که هر چه میزان توانایی مدیران در شرکت در سطح بالاتری باشد و اثربخشی روند مدیریتی در سازمان بالاتر باشد باعث میشود که عملکرد سرمایه گذاری شرکت موفقتر و بهینه تر گردد بطوری که شرکت با افزایش اثربخشی و استفاده بهینه تر از فرصت های سرمایه گذاری موجود در سازمان خواهد شد و توانایی بالاتری در استفاده و بکارگیری از منابع شرکت برای افزایش ارزش نقدینگی شرکت داشته باشد و باعث بالا بردن سود سهامداران شرکت گردد در این بین از روش تجزیه و تحلیل پوشش داده ها برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

(چوی اس اچ و همکاران، ۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی و انعطاف درآمد بیان گردید که هر چه میزان توانایی مدیریتی سازمان بالاتر باشد منجر به افزایش انعطاف پذیری درآمد های شرکت میگردد بطوری که شرکت دارای رویکرد بهینه تر و متنوع تری در کسب سود و درآمد خواهد داشت و این انعطاف پذیری به دلیل توانایی مدیران در سرمایه گذاری های اثربخش در کوتاه مدت و بلند مدت است که منجر به افزایش اثربخشی شرکت در این خصوص شده است. در این بین از رگرسیون چند متغیره برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

(برگلیوند ان ار و همکاران، ۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان شواهد مربوط به رابطه بین توانایی مدیریتی و به موقع بودن گزارشگری مالی بیان گردید که هر چه میزان توانایی مدیران در روند فرآیند های مدیریت در سازمان بالاتر باشد باعث شفافیت بیشتر در ارائه گزارش های مالی و همچنین بهینه شدن عملکرد سازمان در عرصه تدوین جمعآوری اطلاعات و

تجزیه و تحلیل آنها در سازمان گردد که در این روند باعث سرعت و بهنگام سازی ارائه گزارش های مالی میشود بطوری که نتایج پژوهشی نشان می دهد که هر چه در سازمان ها سطح توانایی مدیران بالاتر باشد باعث میشود که میزان توانایی آنها در ارائه به موقع گزارشهای مالی افزایش یابد.

(دیمیرجینا پی و همکاران، ۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان چگونگی توانایی مدیران بر افزایش سودآوری سازمان تاثیر دارد و تفاوت آنهای آن در این خصوص، بیان گردید که هر چه میزان توانایی های مدیران در سازمان بالاتر رود باعث میشود که میزان سودآوری شرکت ها نیز در سازمان بالاتر رود و این سودآوری با سودمندی مدیران تفاوت هایی هم دارند بطوری که سودمندی یک فرآیند بلند مدت است و باعث میشود که سازمان در عرصه فرآیندی و عملکردی خود موفقتر باشد ولی در روند سودآوری یک مقطع کوتاه مدت و نقطه ای است که هر دوی آنها با میزان توانایی مدیران رابطه معناداری دارند.

(کورناجیا کی جی و همکاران، ۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی و رتبه بندی اعتباری بیان گردید که هر چه میزان توانایی مدیران در سازمان در سطح بالاتری باشد و سازمان دارای مدیران توانمندتری در سازمان باشند باعث میشود که سازمان در رتبه بندی اعتباری خود در بین شرکت های دیگر که دارای ماهیت رفتاری مشابه با فعالیت های خود هستند در سطح قابل قبول تری قرار گیرد و علت این امر این است که این قبیل شرکت های دارای توانمند بالاتری در تصمیم گیری های بهنگام و اثربخش در روند سرمایه گذاری و تخصیص منابع سازمان دارند.

(علی احمدی و همکاران، ۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیران و ارزش پول نقد: شواهد از ایران بیان گردید که هر چه میزان توانایی مدیران در تخصیص منابع شرکت در کوتاه مدت و بلند مدت در قالب سرمایه گذاری های هوشمند بالاتر باشد منجر به افزایش و بهبود ارزش نقدینگی شرکت در هر دو بازه کوتاه مدت و بلند مدت خواهد شد. در این بین از روش تجزیه و تحلیل پوشش داده ها برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

(لی ۲۰۱۶) به بررسی تأثیر تعداد مدیران غیرموظف هیئت مدیره بر نگهداشت وجه نقد پرداخت. او بیان داشت که اگر هیئت مدیره نقش راهبری شرکتی را بازی کند، پیش بینی می شود که شرکتهای با ساختارهای مدیریتی قویتر پس از کنترل سایر عوامل، نگهداشت وجه نقد کمتری داشته باشند.

(سلمان و همکاران ۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین اهرم مالی و سودآوری بخش سیمان در پاکستان پرداخته اند. برای این منظور ۱۸ تولید کننده سیمان از ۲۱ تولید کننده در این مطالعه برای دوره ۶ ساله (۲۰۱۰-۲۰۰۵) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان می دهد که اهرم مالی تأثیر معکوس و معنی داری با سودآوری در فاصله اطمینان ۹۹٪ دارد.

(پارک ۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی بر ارزش نگهداشت وجه نقد پرداختند. آنها نشان دادند نگهداشت وجه نقد با سرمایه گذاری شرکتهای ارتباط نزدیکی دارد و زمانی که شرکتهای از حسابرسان متخصص صنعت استفاده میکنند، ارزش بازار نگهداشت وجه نقد آنها افزایش می یابد.

(بیاتی و گرد، ۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریت و ارزش حاشیه ای وجه نقد پرداخته است. این مطالعه بررسی می کند که آیا توانایی مدیریت مدیر عامل (CEO) با ارزش حاشیه ای وجه نقد مرتبط است، همچنین، اثر توانایی مدیریت بر ارزش حاشیه ای وجه نقد معمولاً برای شرکت های مالی محدود بیشتر است. اثر مثبت توانایی مدیریت بر ارزش حاشیه ای وجه نقد برای شرکت هایی با سطح بالای جریان نقدی آزاد و استحکام مدیریت پایین، بیشتر مشهود است. بطور کلی، یافته ها نشان می دهد که بازار در صورتی ارزش وجه نقد بالاتری داشته که وجه نقد توسط مدیران عامل بسیار توانمند مدیریت شود و مطابق با این دیدگاه است که سهامداران توانایی مدیر عامل را زمانی در نظر گرفته که آنها وجه نقد را ارزیابی می کنند.

(جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر مدیریت منابع مالی و بهبود بهره وری تصمیم گیری مدیران (مطالعه موردی: شرکت های دانش بنیان شهر تهران) بیان گردید که مدیریت و تصمیم گیری دو واژه نزدیک به هم در مدیریت و انجام امور سازمان می باشند و بدون تردید، تصمیم گیری، مهم ترین کار مدیران ارشد است که به آسانی نیز می توان در آن مرتکب اشتباه شد؛ اما اگر کل فرآیند را به گونه ای متفاوت بنگرید وضعیت نیز فرق خواهد کرد. بهره وری استفاده موثر و کارآمد از ورودی ها یا منابع برای تولید محصول یا ارایه خروجی هاست. ورودی ها (نهادها) منابعی از قبیل مواد اولیه، ابزارآلات و تجهیزات، نیروی کار و زمین و ... هستند که برای خلق خروجی یا ستاده (محصولات تولیدی، خدمات ارایه شده) استفاده می شوند. اندازه گیری بهره وری برای هر سازمان ضروری است و این امر به حدی حایز اهمیت است که می توان با برقراری و اجرای یک سیستم اندازه گیری بهره وری به نقاط قوت و ضعف یک سازمان تولیدی پی برد. برای تعیین میزان ضریب تبیین چهار شاخص از معیارهای مدیریت منابع مالی (مدیریت صحیح منابع، تسهیلات دهی، پرداخت بموقع دستمزد، پاداش کارکنان) که در سطح سنجش فاصله ای اندازه گیری شده بودند و نتایج نشان می دهند که هر چهار شاخص مدیریت منابع مالی به طور خالص ۰.۸۹۶ درصد میزان بهبود بهره وری تصمیم گیری مدیران را تبیین می کنند.

(حسنی القار و همکاران، ۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود بیان گردید که توانایی مدیریت تأثیر مثبت معناداری بر تقسیم سود شرکت دارد؛ به عبارت دیگر، مدیران توانا تر سود تقسیمی بیشتری را پرداخت می کنند. بر اساس بررسی های بیشتر میزان جریان های نقدی بر سطح تقسیم سود شرکت تأثیر گذار است. تأثیر گذاری جریان های نقدی بر سطح تقسیم سود بیانگر وجود حساسیت سود تقسیمی نسبت به جریان های نقدی است.

(کاشانیپور و نقی نژاد، ۱۳۹۵) به بررسی اثر محدودیتهای مالی بر حساسیت جریان نقدی وجوه پرداختند. آنها با استفاده از معیارهای اندازه شرکت، عمر شرکت، نسبت سود تقسیمی و گروه تجاری به عنوان نماینده ای از وجود محدودیتهای مالی نشان دادند که جریانهای نقدی تأثیر معناداری بر سطح نگهداری وجه نقد نداشته است، همچنین تفاوت معنی داری بین حساسیت جریانهای نقدی وجه نقد شرکتهای با محدودیت مالی و شرکتهای بدون محدودیت مالی وجود ندارد.

(آقایی و همکاران، ۱۳۹۴) به بررسی عوامل مؤثر بر نگهداری موجودی های نقدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که حسابهای دریافتی، خالص سرمایه در گردش، موجودی های کالا و بدهی های کوتاه مدت، به ترتیب از مهمترین عوامل دارای تأثیر منفی بر نگهداری موجودیهای نقدی هستند. از طرف دیگر، فرصتهای رشد شرکت، سود تقسیمی، نوسان جریانهای نقدی و سود خالص، به ترتیب از مهمترین عوامل دارای تأثیر مثبت بر نگهداری موجودیهای نقدی هستند، اما شواهد کافی در مورد تأثیر منفی بدهی های بلند مدت و اندازه شرکتها بر نگهداری موجودیهای نقدی وجود ندارد.

(مشایخی و سفری، ۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی وجوه نقد ناشی از عملیات و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد هنگامی که وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی ضعیف است، شرکت ها تمایل دارند استراتژی افزایش سود در پیش گیرند. همچنین مشاهده گردید که برخی از شرکت های با فعالیت های عملیاتی بالا نیز تمایل به سیاست های کاهش سود دارند.

(دستگیر و شریفی مبارکه، ۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین جریانهای نقدی عملیاتی و جریانهای نقد آزاد با بازده سهام شرکتها و این معیارها در تشریح بازده آتی سهام پرداختند. نتایج این پژوهش در سطح مقطعی، نشان می دهد که رابطه معناداری بین جریان نقد عملیاتی و بازده سهام وجود ندارد. نتایج پژوهش در سطح داده های ترکیبی نیز نشان داده است که بین جریانهای نقدی عملیاتی و بازده سهام رابطه معناداری وجود ندارد. در خصوص جریانهای نقد آزاد نیز، در سطح داده های مقطعی، رابطه معنادار جریان نقد آزاد با بازده سهام تأیید شده، در سطح داده های ترکیبی نیز رابطه معنادار بین جریانهای نقدی آزاد و بازده سهام تأیید شده است.

۳. روش شناسی تحقیق

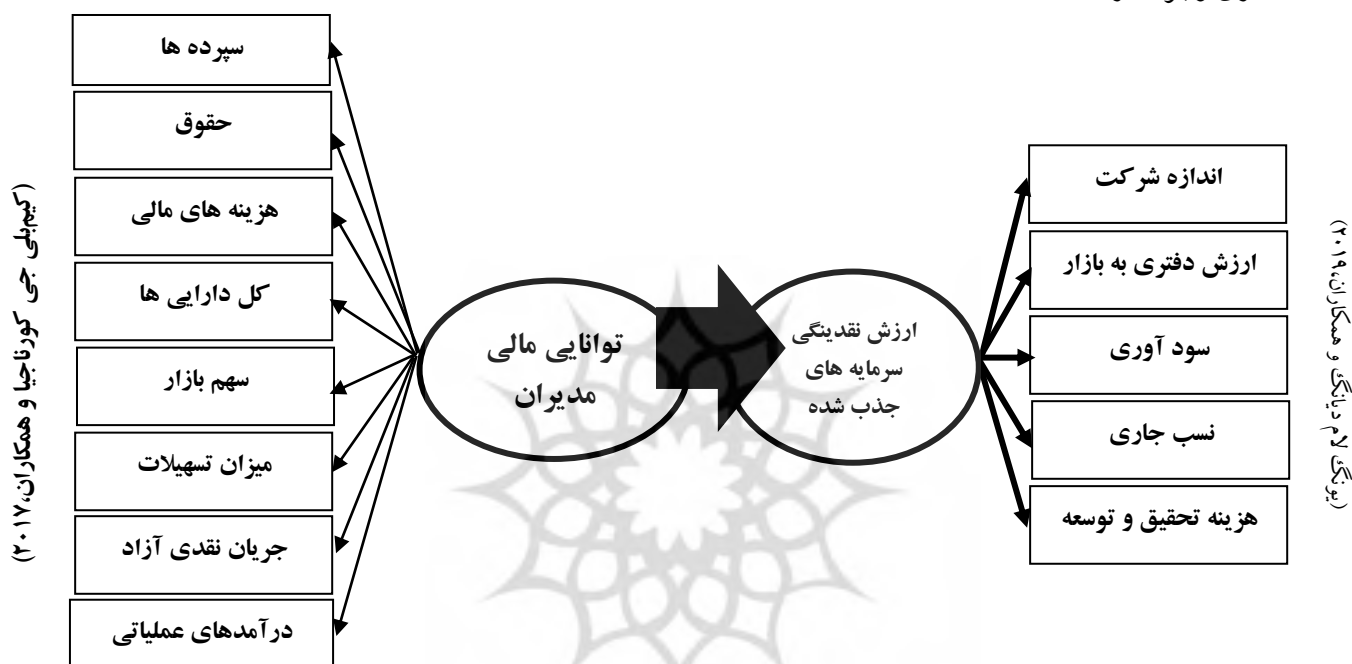
با توجه به این که شناسایی رابطه بین توانایی های مالی مدیران بر ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده در پروژه های مالی می تواند اطلاعات بسیار مفیدی را در زمینه اهمیت و نقش توانایی های مالی مدیران در سازمان و نقش موثر آنها در ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده در پروژه های مالی داشته باشد در این پژوهش رابطه بین توانایی های مالی مدیران بر ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده در بانکها تجاری مورد بررسی قرار می گیرد؛ بنابراین پژوهش حاضر، در حوزه پژوهش های توصیفی و استقرایی است و از نظر هدف کاربردی می باشد. این پژوهش از نظر تقسیم بندی بر حسب روش اجرا، روش همبستگی و بر پایه داده های پس رویدادی انجام خواهد شد؛ زیرا بر حسب هدف در این پژوهش و با توجه به اینکه قصد تبیین رابطه بین توانایی های مالی مدیران در بانکهای خصوصی و نقش موثر آنها در ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده را دارد. از روش رگرسیونی یعنی بررسی وجود رابطه بین متغیرها از طریق رگرسیون چندگانه استفاده می شود که بهترین روش جهت استفاده در پژوهش حاضر می باشد.

جامعه آماری پژوهش

شامل ۱۵ بانک انتخاب عضو بورس اوراق بهادار از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ می‌باشد؛ که با توجه به محدود بودن جامعه آماری اقدام به سرشماری از تمامی جامعه آماری می‌شود و از هیچ روش نمونه‌گیری استفاده نشده است، لازم به ذکر است که تمامی اطلاعات مالی جمع‌آوری شده در بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ جمع‌آوری و استخراج شده است.

فرضیه و مدل پژوهش

بین توانایی‌های مدیران و ارزش نقدینگی سرمایه‌های جذب شده در فعالیت اقتصادی بانک‌های خصوصی رابطه معناداری وجود دارد.



روند محاسبات و اندازه‌گیری هریک از ابعاد متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل- توانایی‌های مالی مدیران

در پژوهش حاضر توانایی مدیریت به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود و به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از الگوی دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده می‌شود. در این الگو، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مالی مدیریت محاسبه می‌گردد. به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کردند. تحلیل پوششی داده‌ها تکنیکی ناپارامتریک برای سنجش و ارزیابی کارایی نسبی مجموعه‌ای از پدیده‌ها (سازمان‌ها) با ورودی‌ها و خروجی‌های قطعی است. تحلیل پوششی داده‌ها به جای استفاده از مقایسه یک به یک واحدها، یک ترکیب فعلی از واحدها را با هم مقایسه می‌کند. اولین مدل تحلیل پوششی داده‌ها را "فارل" بیان کرد. مدل فارل شامل یک ورودی و یک خروجی بود. با توجه به مشکلاتی که در مدل فارل وجود داشت "چارنز، کوپر و رودز" دیدگاه فارل را توسعه داده و مدلی را ارائه نمودند که توانایی اندازه‌گیری با چندین ورودی و خروجی

را دارا بود. از آنجا که چارنر، کوپر و رودز، این مدل را ارائه کردند به مدل CCR که از حروف اول نام سه فرد فوق تشکیل شده است، معروف گردید.

در این بخش با توجه به مدل پژوهش برای محاسبه میزان کارآیی مدیران در ۱۵ بانک عضو اوراق بهادار و با توجه به ماهیت محاسباتی میزان توانایی مدیران بر اساس مدل پژوهش شاخص های ورودی و خروجی مورد محاسبه برای بررسی و اندازه گیری کارایی در ۱۵ بانک عضو اوراق بهادار به صورت زیر است:

ورودی های مورد محاسبه:

≠ کل دارایی ها در طول یک بازه پنج ساله

≠ میزان حقوق اعطایی به کارکنان در طول یک بازه پنج ساله

≠ میزان سپرده ها جمع آوری شده در طول یک بازه پنج ساله

≠ میزان هزینه های مالی انجام شده برای انجام فرآیندهای بانکی در طول یک بازه پنج ساله

خروجی های مورد محاسبه:

≠ میزان تسهیلات بانکی اعطایی در طول یک بازه پنج ساله

≠ درصد سهم بازار هر یک از بانک در مجموع در سال مورد نظر در طول یک بازه پنج ساله

≠ میزان جریان نقدی آزاد بانک ها در طول یک بازه پنج ساله

≠ میزان درآمدهای عملیاتی کسب شده در طول یک بازه پنج ساله

پس مشخص شدن شاخص های ورودی و خروجی در متغیر میزان توانایی های مدیران اقدام به جمع آوری اطلاعات مالی از ۱۵ بانک عضو اوراق بهادار طی مدت زمان یک بازه پنج ساله شده است.

۲-۳-۳ روند محاسبه و استخراج هر یک از متغیرهای ورودی و خروجی در مدل تحلیل پوششی داده ها

پس مشخص شدن شاخص های ورودی و خروجی در متغیر میزان توانایی های مالی مدیران اقدام به جمع آوری اطلاعات مالی در طول یک بازه پنج ساله شده است که در جدول زیر براساس نوع (ورودی و خروجی) طبقه بندی شده اند.

بخش اول: متغیرهای ورودی

۱- کل دارایی ها: دارایی ها نشان دهنده مبالغ سرمایه گذاری یا مصرف سرمایه در شرکت هستند. متداول ترین ارقام تشکیل دهنده دارایی ها عبارتند از: وجه نقد و بانک، اسناد و حساب های دریافتن موجودی کالا و دارایی های ثابت. نحوه محاسبه و استخراج: برگرفته از صورت های مالی منتهی به هر سال در بازه پنج ساله در هر یک از بانک های خصوص مورد مطالعه پژوهش.

۲- میزان حقوق: میزان وجه نقد، تسهیلات، امتیازات و کمک های اعطایی به کارکنان در قبال ارائه خدمات، کار و یا ارزش خلق شده در قالب ارزش ریالی اطلاق می گردد.

نحوه محاسبه و استخراج: برگرفته از صورت‌های مالی منتهی به هر سال در بازه پنج ساله در هریک از بانک‌های خصوص مورد مطالعه پژوهش.

۳- سپرده‌ها: وجوهی که به وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی طبق ضوابطی به بانک سپرده می‌شود.

نحوه محاسبه و استخراج: برگرفته از صورت‌های مالی منتهی به هر سال در بازه پنج ساله در هریک از بانک‌های خصوص مورد مطالعه پژوهش.

۴- هزینه‌های مالی: قیمت و بهای کالاها و خدماتی که جهت کسب درآمد، ضروری اند را هزینه نامند که در دو دسته هزینه‌های ثابت و متغیر طبقه‌بندی می‌گردد.

الف) هزینه ثابت: این هزینه به شیوه ای است که جدا از کم و زیاد شدن مقدار خدمات و کالاها و تولیدات، همیشه ثابت است و هیچ تغییری نمی‌کند.

ب) هزینه متغیر: هزینه‌های غیر ثابت یا متغیر بر حسب حجم و مقدار کالاها و خدمات تولید شده، خاصیت متغیری دارند و تغییر می‌کنند، به این معنا که اگر کالایی تولید شود، به همان اندازه و میزان هزینه متغیر هم وجود خواهد داشت. نحوه محاسبه و استخراج: برگرفته از صورت‌های مالی منتهی به هر سال در بازه پنج ساله در هریک از بانک‌های خصوص مورد مطالعه پژوهش. (که نتایج و روند تجزیه و تحلیل از روش تحلیل پوششی داده در پیوست مقاله قابل مشاهده است)

بخش دوم: متغیرهای خروجی

۱- تسهیلات بانکی: تسهیلات بانکی همان خروجی‌های اصلی بانک‌ها هستند که از طریق آنها نقدینگی‌های سرگردان جامعه، به مبادی تعریف شده و هدفمند اقتصادی تزریق می‌شود. بدین معنی که یک بانک با تجهیز منابع (شامل سرمایه و حقوق صاحبان سهام و انواع سپرده‌ها و یا سایر بدهی‌ها) آنها را در راستای اهداف از قبل تعیین شده به مصرف می‌رساند.

نحوه محاسبه و استخراج: برگرفته از صورت‌های مالی منتهی به هر سال در بازه پنج ساله در هریک از بانک‌های خصوص مورد مطالعه پژوهش.

۲- سهم بازار: درصد مالکیت یک شرکت و یا برند از کل بازار مرتبط با حوزه فعالیت آن شرکت اطلاق می‌گردد که بعضاً براساس درصد فروش، سود، تراکنش‌های مالی، مشتریان و غیره محاسبه می‌گردد. سهم بازار معمولاً به مولفه‌ها و شاخص‌های موثر در هر صنعت که دارای وزن و اهمیت بیشتری هستند محاسبه و اندازه‌گیری می‌گردد (محمد نبی شهیکی تاش، ۱۳۹۲).

نحوه محاسبه و استخراج: برگرفته از اطلاعات پژوهش تحلیل سهم از بازار بانک‌ها طی بازه سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ که در پژوهشکده پولی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران توسط اعظم احمدیان به صورت سالانه به چاپ

رسیده است. در این بین از سهم بانک های خصوصی در سر فصل سود و زیان که به صورت درصد تجمعی محاسبه شده است، استخراج و محاسبه گردیده است.

۳- جریان نقدی آزاد: بیانگر وجوه نقدی است که یک شرکت بعد از جریان های خروجی نقدی و برای پشتیبانی از عملیات و حفظ دارایی های سرمایه ای خود تولید می کند. برخلاف سود و درآمد خالص، جریان وجوه نقد آزاد یک پارامتر اندازه گیری سودآوری است که شامل هزینه های غیرنقدی موجود در صورت سود و زیان نشده ولی شامل مخارج تجهیزات و دارایی ها و تغییرات در سرمایه در گردش می شود (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷).

نحوه محاسبه و استخراج: متغیری مجازی است؛ که اگر شرکت جریان نقد آزاد مثبت داشته باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود. جریان نقد آزاد شرکت از رابطه زیر محاسبه می شود.

$$FCF_{it} = (INC_{IT} - TAX_{IT} - INTEXP_{IT} - CSDIV_{IT})/TA_{IT}$$

FCF: جریان نقد آزاد

INC: سود عملیاتی قبل از استهلاك

TAX: مالیات پرداختی

INTEXP: هزینه بهره پرداختی

CSDIV: سود پرداختی سهامداران عادی

TA: جمع دارایی ها

i: مولفه شرکت

t: مولفه دوره زمانی (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷).

که نتایج محاسبه آن در جدول زیر آورده شده است.

۴- میزان درآمدهای عملیاتی: درآمد عملیاتی که سود عملیاتی یا کارکرد قبل از بهره و مالیات ها نیز نامیده می شود، مقدار درآمد باقی مانده پس از کسر هزینه های مستقیم و غیرمستقیم عملیاتی از درآمد فروش است. می توان سود عملیاتی را با استفاده از درآمد ناخالص منهای استهلاك دارایی های ملموس و استهلاك دارایی های ناملموس و هزینه های عملیاتی که به صورت غیرمستقیم مربوط به تولید کالاها هستند نیز محاسبه کرد. هزینه بهره، درآمد بهره و سایر منابع درآمد غیرعملیاتی در محاسبات درآمد عملیاتی در نظر گرفته نمی شوند.

نحوه محاسبه و استخراج: برگرفته از صورت های مالی منتهی به هر سال در بازه پنج ساله در هریک از بانک های خصوص مورد مطالعه پژوهش.

متغیر وابسته- ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده

به منظور محاسبه میزان ارزش نقدینگی سرمایه جذب شده در هر یک از بانک ها عضو بورس طی بازه پنج ساله براساس مدل پژوهش که از برآیند شاخص های اندازه شرکت، ارزش دفتری به ارزش بازار دارایی ها، نسبت جاری، سودآوری

شرکت و هزینه های تحقیق و توسعه محاسبه قرار گرفته است. در ادامه به تفصیل تمامی شاخص های مورد محاسبه را تشریح می گردد.

ارزش دفتری به ارزش بازار (BM): یکی از نسبت های مالی است که نماگر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار که میان بورس بازاها و تحلیلگران به B/M معروف است در واقع نشان می دهد آیا قیمتی که اکنون یک سهم از یک بنگاه حاضر در بورس به آن قیمت معامله می شود از ارزشی که از نظر حسابداری در دفاتر حسابداری آن شرکت ثبت شده کمتر، بیشتر یا مساوی است.

ارزش دفتری به ارزش بازار = ارزش دفتری / ارزش بازار دارایی ها

نسبت جاری (LIQ): یکی از نسبت های مالی است که توانایی شرکت در بازپرداخت تعهدات کوتاه مدت را اندازه گیری می کند و از طریق تقسیم دارایی جاری بر بدهی های جاری، به صورت زیر محاسبه می شود (دشتی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶).

بدهی های جاری / دارایی های جاری = نسبت جاری

میزان سودآوری (ROA): شاخص بازده سودآوری که معیاری کاربردی برای ارزیابی از میزان سطح کارایی عملکرد مدیران است، این شاخص نشان دهنده میزان سودی است که شرکت از هر واحد از دارایی هایش بوجود می آورد. دارایی شرکت شامل اقلامی نظیر پول نقد، حساب های دریافتی، تجهیزات و ... می باشد (شیرازیان و همکاران، ۱۳۹۶).

کل دارایی ها / درآمد خالص سالانه = میزان سودآوری

اندازه شرکت (SIZE): نشانگر اندازه شرکت است که براساس لگاریتم جمع دارایی های به عنوان شاخص اندازه گیری مورد استفاده قرار می گیرد تا بدین واسطه اندازه شرکت محاسبه گردد (نیرش و ولنامپی، ۲۰۱۴).

جمع کل دارایی ها LOG = اندازه شرکت

درصد مخارج تحقیق و توسعه (R&D): هزینه هایی که در روند تحقیق و توسعه مورد استفاده قرار می گیرد که اکثراً این هزینه ها برای حل مشکلات پژوهشی و یا بدست آوردن راه حل جدیدی بکار گرفته می شود (پرکاش و همکاران، ۱۳۹۸).

درصد مخارج تحقیق و توسعه (R&D) = جمع هزینه های تحقیق و توسعه / جمع درآمدهای عملیاتی

**باتوجه به صورت های مالی در سایت کدال و همچنین اطلاعات بانک مرکزی و اطلاعات موجود در سایت هر یک از بانک ها اقدام به استخراج اطلاعات مالی در خصوص این مولفه شده است.

$$VLAC = 1 - \frac{1}{\sum LIQ, ROA, SIZQ, BM, R\&D}$$

۴. یافته های پژوهش

در روش های توصیفی تلاش بر آن است تا با ارائه جدول و استفاده از ابزارهای آمار توصیفی نظیر شاخص های مرکزی و پراکنندگی، به توصیف داده های تحقیق پرداخته شود تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. پس از جمع آوری اطلاعات متغیرهای پژوهش از شش نقطه در قالب آمار توصیفی در (جدول ۱) قابل مشاهده است.

جدول ۱: آماره توصیفی متغیرهای پژوهش (عدد به میلیون تومان)

شماره	متغیر	لاتین	تعداد	حداکثر	حداقل	میانگین	میان	انحراف استاندارد
Managers financial capabilities (توانایی های مالی مدیران)								
ورودی ها								
۱	سپرده ها (هزار میلیون تومان)	DEPOSIT	۷۲	1696.7361	24.1715	352.2900	156.1227	44.8487
۲	حقوق (هزار میلیون تومان)	LOANTYPE	۷۲	598.4515	5.0278	121.6826	290.8589	15.2094
۳	هزینه مالی (هزار میلیون تومان)	Investment	۷۲	23.6512	0.02059	4.1360	9.3747	59.5453
۴	کل دارایی ها (هزار میلیون تومان)	Total Assets	۷۲	24698.0311	351.845377	5779.7971	2272.5540	6528.2796
خروجی ها								
۵	تسهیلات بانکی (هزار میلیون تومان)	Bank facilities	۷۲	1189.1091	0.62081	202.7512	105.9401	280.8185
۶	سهم بازار	Market Share	۷۲	0.1254	0.0088	0.0694	0.0725	0.0302
۷	جریان نقدی آزاد	FCF	۷۲	0.9659	0.0035	0.6091	0.7031	0.3131
۸	درآمدهای عملیاتی (هزار میلیون تومان)	Operating income	۷۲	4693.165	0.48533	39.2054	21.13739	48.6166
The value of liquidity of the attracted capital (ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده)								
۹	نسبت جاری	LIQ	۷۲	1.3052	0.0142	0.1667	0.9259	0.2792
۱۰	سود آوری	ROA	۷۲	0.5183	0.0008	0.0638	0.0584	0.0923
۱۱	اندازه شرکت	SIZE	۷۲	9.5387	5.9089	0.5952	8.2400	0.7558
۱۲	هزینه های تحقیق و توسعه	R&D	۷۲	0.1220	0.0510	0.0870	0.0930	0.0210
۱۳	ارزش دفتری به بازار	BM	۷۲	0.9970	0.0420	0.8970	0.9450	0.1650
								۷۲
تعداد مشاهدات								

با توجه به آماره توصیفی، می توان شاخص های بالا را به شاخص های مرکزی و پراکندگی و سایر شاخص ها تقسیم نمود که شاخص های مرکزی عبارت است از شاخص میانگین و میانه، شاخص های پراکندگی عبارت است از شاخص انحراف معیار و سایر شاخص ها عبارت از شاخص حداقل، حداکثر، چولگی و کشیدگی می باشد. پس از جمع آوری داده های ۱۵ بانک عضو اوراق بهادار طی مدت زمان یک بازه پنج از صورت های مالی فوق از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷، اعداد را به ترتیب در فرمول های که استخراج شده از مدل پژوهش مورد محاسبه قرار گرفته شده است.

روند محاسبات تحلیل پوششی داده برای محاسبه میزان توانایی مالی مدیران

پس از مشخص شدن تعداد خروجی و ورودی های پژوهش براساس مدل پایه ای و با رویکرد خروجی محور و بازده نسبت به مقیاس CRS (بازده ثابت نسبت به مقیاس) اقدام به محاسبه میزان کارایی به منظور مشخص شدن میزان توانایی های مالی مدیران شده است که نتایج بدست آمده به شرح زیر است.

جدول ۲: محاسبه میزان کارایی به منظور مشخص شدن میزان توانایی های مالی مدیران

وضعیت	کارایی	نام بانک و سال	وضعیت	کارایی	نام بانک و سال
کارایی قوی	1	سینا ۱۳۹۶	کارایی ضعیف	۰,۵۸۴	گردشگری ۱۳۹۷
کارایی قوی	1	سینا ۱۳۹۵	کارایی قوی	1	گردشگری ۱۳۹۶
ناکارآمد	۰,۴۳۸	سینا ۱۳۹۴	کارایی ضعیف	۰,۵۶۷	گردشگری ۱۳۹۵
ناکارآمد	۰,۳۸۵	سینا ۱۳۹۳	کارایی ضعیف	۰,۵۳۷	گردشگری ۱۳۹۴
کارایی قوی	1	اقتصادنوین ۱۳۹۷	کارایی قوی	1	گردشگری ۱۳۹۳
کارایی قوی	1	اقتصادنوین ۱۳۹۶	کارا	0.802	پست بانک ۱۳۹۷
نسبتاً کارا	۰,۶۱۱	اقتصادنوین ۱۳۹۵	کارایی قابل قبول	0.706	پست بانک ۱۳۹۶
کارایی قابل قبول	۰,۷۵۱	اقتصادنوین ۱۳۹۴	کارا	0.859	پست بانک ۱۳۹۵
نسبتاً کارا	۰,۶۲۴	اقتصادنوین ۱۳۹۳	نسبتاً کارا	0.679	پست بانک ۱۳۹۴
کارایی قابل قبول	۰,۷۴۸	رفاه ۱۳۹۷	ناکارآمد	۱0.31	پست بانک ۱۳۹۳
نسبتاً کارا	۰,۶۸۵	رفاه ۱۳۹۶	ناکارآمد	0.492	کار آفرین ۱۳۹۷
کارا	۰,۸۵۹	رفاه ۱۳۹۵	کارایی قابل قبول	0.736	کار آفرین ۱۳۹۶
کارایی قوی	۰.0.97	ایران زمین ۱۳۹۶	کارایی قابل قبول	0.736	کار آفرین ۱۳۹۵
ناکارآمد	۰,۴۲۱	ایران زمین ۱۳۹۵	کارایی قابل قبول	0.736	کار آفرین ۱۳۹۴
کارایی ضعیف	۰,۵۲۸	ایران زمین ۱۳۹۴	کارایی قابل قبول	0.736	کار آفرین ۱۳۹۳
کارایی قوی	0.919	ایران زمین ۱۳۹۳	کارا	0.849	انصار ۱۳۹۷
نسبتاً کارا	۰,۶۴۲	پارسیان ۱۳۹۷	کارا	0.802	انصار ۱۳۹۶
کارا	0.875	پارسیان ۱۳۹۶	کارایی قابل قبول	0.759	انصار ۱۳۹۵
کارایی قوی	1	پارسیان ۱۳۹۵	کارایی قابل قبول	0.759	انصار ۱۳۹۴
کارا	0.864	پارسیان ۱۳۹۴	کارایی قابل قبول	0.759	انصار ۱۳۹۳
کارایی قابل قبول	۰,۷۲۱	پارسیان ۱۳۹۳	کارایی قوی	1	ملت ۱۳۹۷
کارایی قابل قبول	۰,۷۳۵	تجارت ۱۳۹۷	کارایی قوی	0.987	ملت ۱۳۹۶
نسبتاً کارا	۰,۶۴۲	تجارت ۱۳۹۶	کارایی قوی	0.931	ملت ۱۳۹۵
کارایی قابل قبول	۰,۷۸۴	تجارت ۱۳۹۵	کارا	0.884	ملت ۱۳۹۴
کارایی قوی	0.995	تجارت ۱۳۹۴	کارا	0.864	ملت ۱۳۹۳

وضعیت	کارایی	نام بانک و سال	وضعیت	کارایی	نام بانک و سال
کارایی قوی	0.989	تجارت ۱۳۹۳	کارایی قوی	1	صادرات ۱۳۹۷
کارایی ضعیف	۰,۵۷۴	پاسارگاد ۱۳۹۷	نسبتاً کارا	۰,۶۳۷	صادرات ۱۳۹۶
نسبتاً کارا	۰,۶۸۲	پاسارگاد ۱۳۹۶	کارایی قوی	1	صادرات ۱۳۹۵
کارایی قابل قبول	۰,۷۸۲	پاسارگاد ۱۳۹۵	کارایی قوی	1	صادرات ۱۳۹۴
کارایی قوی	0.982	پاسارگاد ۱۳۹۴	نسبتاً کارا	۰,۶۷۱	صادرات ۱۳۹۳
کارا	۰,۸۵۶	پاسارگاد ۱۳۹۳	ناکارآمد	۰,۳۶۷	خاورمیانه ۱۳۹۷
کارایی قابل قبول	۰,۷۵۸	سامان ۱۳۹۷	ناکارآمد	۰,۴۸۹	خاورمیانه ۱۳۹۶
نسبتاً کارا	۰,۶۲۵	سامان ۱۳۹۶	ناکارآمد	۰,۴۲۸	خاورمیانه ۱۳۹۵
کارایی قوی	0.989	سامان ۱۳۹۵	کارایی ضعیف	۰,۵۳۴	خاورمیانه ۱۳۹۴
نسبتاً کارا	۰,۶۲۵	سامان ۱۳۹۴	کارایی قوی	0.995	خاورمیانه ۱۳۹۳
کارایی قوی	0.995	سامان ۱۳۹۳	نسبتاً کارا	۰,۶۵۹	سینا ۱۳۹۷

آزمون های پیش شرط و تاییدی

در این بخش اقدام به انجام آزمون های تاییدی برای سنجش و ارزیابی پیش شرط های متغیرها برای انجام مراحل تحلیل رگرسیون انجام شده است که به شرح زیر می باشد.

جدول ۳: آزمون نرمال بودن جامعه آماری با استفاده از کولموگروف-اسمیرنف

نام فارسی متغیر/مولفه	نام لاتین متغیر/مولفه	آماره K-S	سطح معناداری	نتیجه آزمون
DEPOSIT	سپرده ها	۰,۰۹۷	۰,۲۰۹	نرمال
LOANTYPE	حقوق	۰,۱۶۴	۰,۲۳۱	نرمال
Investment	هزینه مالی	۰,۰۹۴	۰,۱۹۸	نرمال
Total Assets	کل دارایی ها	۰,۰۸۹	۰,۲۱۸	نرمال
Bank facilities	تسهیلات بانکی	۰,۱۲۵	۰,۱۱۴	نرمال
Market Share	سهم بازار	۰,۰۹۵	۰,۱۴۷	نرمال
FCF	جریان نقدی آزاد	۰,۱۱۸	۰,۱۸۸	نرمال
Operating income	درآمدهای عملیاتی	۰,۰۸۱	۰,۱۸۶	نرمال
Managers financial capability	توانایی های مالی مدیران	۰,۰۷۸	۰,۱۸۲	نرمال
LIQ	نسبت جاری	۰,۱۲۷	۰,۲۳۷	نرمال
ROA	سود آوری	۰,۱۱۵	۰,۱۹۸	نرمال
SIZE	اندازه شرکت	۰,۰۹۸	۰,۱۸۲	نرمال
R&D	هزینه های تحقیق و توسعه	۰,۳۰۸	۰,۴۱۸	نرمال
BM	ارزش دفتری به بازار	۰,۱۱۸	۰,۱۵۴	نرمال
The value of liquidity of the attracted capital	ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده	۰,۰۶۱	۰,۰۹۵	نرمال

چون سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای تمام متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است، توزیع تمام متغیرهای مورد مطالعه نرمال می باشد.

جدول ۴: آزمون لین و لوین

شماره	نام متغیر	آماره	سطح معناداری
۱	Managers financial capabilitie	۵,۱۱۴۲۸	۰,۰۳۹۱
۲	The value of liquidity of the attracted capital	۴,۱۲۵۸۴	۰,۰۴۷۲

سطح خطای ۰,۰۵

باتوجه به جدول فوق چون سطح معناداری همه متغیرها از ۰,۰۵ کوچکتر است؛ فرضیه صفر مبنی بر نامانایی برای همه متغیرها رد می‌شود و تمامی متغیرهای مورد مطالعه در سطح مانا هستند.

جدول ۵: نتایج آزمون F لیمر

شماره	مدل	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
۱	فرضیه	۶,۵۱۰۷۵	۹۱,۵۶۸	۰,۰۴۸۱	panel
۲	فرضیه فرعی ۱	۱۲,۳۷۱۸۵	۱۴,۵۲۴	۰,۰۱۴۷	panel
۳	فرضیه فرعی ۲	۱۰,۳۷۴۸۹	۱۸,۷۰۷	۰,۰۳۴۷	panel

با توجه به اینکه P -value بدست آمده از آزمون F لیمر در فرضیه های پژوهش کوچکتر از ۵ درصد است، به منظور برآورد این مدل ها از مدل داده های پانل Panel استفاده خواهد شد.

جدول ۶: آزمون هاسمن برای تعیین مدل اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری	روش
فرضیه	۶,۹۵۲۱۶۲	۱۹	۰,۰۲۴۱	اثرات ثابت
فرضیه فرعی ۱	۹,۵۱۴۳۷۸	۸	۰,۰۰۵	اثرات ثابت
فرضیه فرعی ۲	۱۰,۳۰۷۱۱	۱۱	۰,۰۱۲۷	اثرات ثابت

سطح خطای ۵ درصد

با توجه به نتایج آزمون انجام شده (هاسمن) احتمال بدست آمده کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین باید در مدل رگرسیونی مربوطه از روش اثرات ثابت استفاده شود.

جدول ۷: نتایج آزمون ناهمسانی آرج LM مدل تحقیق

مدل	شرح	مقدار آماره	سطح معناداری
فرضیه اول (اصلی)	F-Statistic	0.628159	0.2015
فرضیه اول فرعی	F-Statistic	۰,۸۱۴۲۶۲	۰,۳۵۸۷
فرضیه دوم فرعی	F-Statistic	۰,۸۶۷۴۸۲	۰,۴۲۱۸

سطح خطای ۰,۰۵ درصد

با توجه به جدول بالا آماره F آزمون در سطح ۵ درصد معنادار نیست، بنابراین فرض همسانی واریانس تایید شده و ناهمسانی واریانس جملات اخلال رد می‌شود.

آزمون فرضیه پژوهش با روش معادلات رگرسیون چند متغیره

در این بخش پس از محاسبه و آزمون پیش شرط های مورد نیز در روند تحلیل معادلات رگرسیون چند متغیره، ابتدا اقدام به آزمون معادلات رگرسیون متغیره داخلی هر یک از متغیرها وابسته و مستقل به صورت مجزا شده است و سپس

پس از تایید هر یک از معادلات داخلی آنان اقدام به آزمون فرضیه پژوهش و محاسبه میزان تاثیر متغیر وابسته و مستقل می گردد.

۱- معادله رگرسیون داخلی متغیر توانایی های مالی مدیران

$$ABILITY_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 DEPOSIT_{i,t-1} + \gamma_2 FACILITIES_{i,t-1} + \gamma_3 FCF_{i,t-1} + \gamma_4 INVESTMENT_{i,t-1} + \gamma_5 LOANTYPE_{i,t-1} + \gamma_6 MS_{i,t-1} + \gamma_7 OI_{i,t-1} + \gamma_8 TA_{i,t-1} \varepsilon_{i,t}$$

که در آن i تعداد مقطع های موجود در داده های ترکیبی و t دوره زمانی می باشد. پس ثبت اطلاعات و داده های آماری در نرم افزار EViews که شامل:

متغیر	ضریب استاندارد	انحراف معیار	مقادیر T معناداری	سطح عدم اطمینان
سپرده ها	2.2101	0.5610	3.9463	0.0398
تسهیلات بانکی	1.3001	0.6210	2.0968	0.0439
جریان نقدی آزاد	1.1835	0.2006	5.9159	0.0237
هزینه مالی	2.2209	0.7708	2.8836	0.0404
حقوق	5.5411	1.9309	2.8702	0.0411
سهم بازار	1.5816	0.9216	1.7173	0.0302
درآمدهای عملیاتی	4.3212	1.1411	3.7892	0.0173
کل دارایی ها	1.0847	0.1492	7.7146	0.0276
عرض از مبدا	1.0598	0.5037	2.0877	0.0258
شاخص های نیکویی برآزش				
مربع R		0.714792	میانگین متغیر وابسته	3.676792
مقادیر مجذور R		0.510927	SD. var	1.363490
S.E. رگرسیون		3.363056	معیار اطلاعات آکائیک	3.927950
میزان جمع مربع		8.0304015	معیار شوارتز	3.212533
Log likelihood		-24.40620	معیار هانان کوئین	3.041244
آماره F		41.021217	دورین-واتسون	1.924520
مقادیر معناداری آماره F		0.029647		

معادله خطی رگرسیون: متغیر توانایی های مالی مدیران

$$ABILITY_{i,t} = ۱,۰۵۹۸ + ۲,۲۱ DEPOSIT_{i,t-1} + ۱,۳۰ FACILITIES_{i,t-1} + ۱,۱۸۳ FCF_{i,t-1} + ۲,۲۲ INVESTMENT_{i,t-1} + ۵,۵۴ LOANTYPE_{i,t-1} + ۱,۵۸ MS_{i,t-1} + ۴,۳۲ OI_{i,t-1} + ۱,۰۸ TA_{i,t-1} \varepsilon_{i,t}$$

معادله رگرسیون داخلی متغیر ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده

$$VLAC_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 SIZE_{i,t-1} + \gamma_2 BM_{i,t-1} + \gamma_3 RD_{i,t-1} + \gamma_4 ROA_{i,t-1} + \gamma_5 LIQ_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن i تعداد مقطع های موجود در داده های ترکیبی و t دوره زمانی می باشد. پس ثبت اطلاعات و داده های آماری در نرم افزار EViews که شامل:

در جدول تحلیل داده ها و تولید شده توسط نرم افزار EViews می توان به موارد زیر اشاره کرد:

متغیر	ضریب استاندارد	انحراف معیار	مقادیر T معناداری	سطح عدم اطمینان
اندازه شرکت	۲,۳۰۹۹	۰,۹۱۷۱	۲,۵۱۸۶	۰,۰۴۹۳
ارزش دفتری به بازار	۱,۰۶۹۷	۰,۴۰۵۶	۲,۶۳۶۷	۰,۰۲۰۵
هزینه های تحقیق و توسعه	۱,۳۰۸۳	۰,۳۳۵۱	۳,۹۰۳۹	۰,۰۰۹۸
سود آوری	۱,۵۱۲۱	۰,۵۲۱۲	۲,۹۰۰۹	۰,۰۱۴۳
نسبت جاری	۰,۹۰۹۹	۰,۱۸۴۳	۴,۹۳۵۰	۰,۰۲۷۸
عرض از مبدا	۳,۸۰۰۱	۰,۸۸۱۶	۴,۳۱۰۱	۰,۰۰۷۴
شاخص های نیکویی برازش				
مربع R		۰,۰۹۱۸۰۳۰	میانگین متغیر وابسته	۲,۹۰۱۸۴۹
مقادیر مجذور R		۰,۸۴۴۱۹۹	SD. var	۲,۰۰۷۸۰۲
S.E. رگرسیون		۳,۹۷۵۸۸۵	معیار اطلاعات آکائیک	۳,۰۳۴۱۶۲
میزان جمع مربع		۵,۱۷۰۵	معیار شوارتز	۲,۹۷۵۱۸۹
Log likelihood		۴۰۷,۰۹۸۲	معیار هانان کوئین	۳,۸۵۶۶۰۹
آماره F		۱۰۸۹,۵۷۵	دوربین-واتسون	۱,۸۳۵۳۳۵
مقادیر معناداری آماره F		۰,۰۲۵۳۳۰		

معادله خطی رگرسیون: ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده

$$VLAC_{i,t} = 3.800173 + 2.0399 SIZE_{i,t-1} + 1.069BM_{i,t-1} + 1.308 RD_{i,t-1} + 1.512 ROA_{i,t-1} + 0.9099 LIQ_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

۳- معادلات رگرسیون داخلی برای اثبات فرضیه پژوهش: بین توانایی های مدیران و ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده در فعالیت اقتصادی بانک های خصوصی رابطه معناداری وجود دارد.

$$VLAC_{i,t} = \gamma_0 + \gamma_1 ABILITY_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

در جدول تحلیل داده ها و تولید شده توسط نرم افزار EViews می توان به موارد زیر اشاره کرد:

متغیر	ضریب استاندارد	انحراف معیار	مقادیر T معناداری	سطح عدم اطمینان
توانایی های مدیران	۰,۷۴۲۲۹	۰,۰۰۳۰۴۵	۲۴۳,۷۷۳۷	۰,۰۰۰
عرض از مبدا	۰,۸۷۱۲۶	۰,۰۰۲۸۵۲	۳۰۵,۴۴۹۷	۰,۰۰۰
شاخص های نیکویی برازش				
مربع R		۰,۷۳۳۷۱۱	میانگین متغیر وابسته	۰,۹۱۰۴۹۹
مقادیر مجذور R		۰,۷۲۹۹۰۶	SD. var	۰,۰۰۶۴۳۸
S.E. رگرسیون		۰,۰۰۳۳۴۶	معیار اطلاعات آکائیک	۸,۵۳۴۸۵۱
میزان جمع مربع		۰,۰۰۰۷۸۴	معیار شوارتز	۸,۴۷۱۶۱۰
Log likelihood		۳۰۹,۲۵۴۶	معیار هانان کوئین	۸,۵۰۹۶۷۵
آماره F		۱۹۲,۸۷۱۸	دوربین-واتسون	۲,۳۹۸۴۷۷
مقادیر معناداری آماره F		۰,۰۰۰۰۰		

معادله خطی رگرسیون کلی

$$VLAC_{i,t} = 0.871265 + 0.742291 ABILITY_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

پس از محاسبه و اندازه گیری اطلاعات متغیرهای وابسته و مستقل براساس مدل پژوهش در ۱۵ بانک طی بازه پنج ساله از صورت های مالی و براساس معادلات رگرسیون چند متغیره اقدام به بررسی و آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه و تاثیر میزان توانایی مدیران بر ارزش نقدینگی سرمایه جذب شده، نتایج نشان می دهد که هر چه میزان توانایی مدیران در سطح بالاتری بوده که در درجه اول باعث ارتقاء سطح کارایی مربوط می گردد و در مرحله بعد نیز میزان سطح ارزش نقدینگی سرمایه جذب شده را تحت تاثیر قرار داده و باعث تقویت آن می گردد.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه پژوهش از اطلاعات مالی بانکهای خصوصی مورد مطالعه در این پژوهش طی بازی ۵ ساله (۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷) می توان نتیجه گرفت که میزان توانایی مالی مدیران تاثیر و رابطه معناداری بر ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده در بانک های خصوصی دارد.

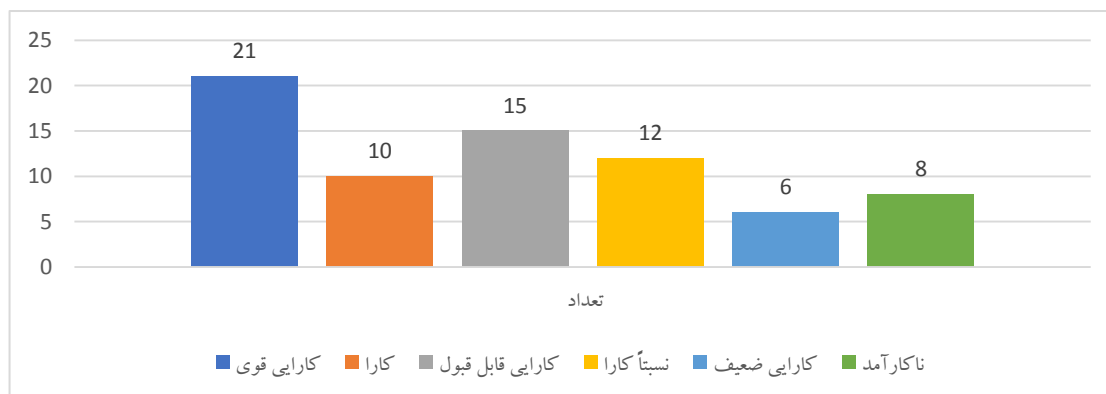
روند محاسبات میزان توانایی مالی مدیران بانک های خصوصی یاد شده طی بازی ۵ ساله از روند تحلیل پوششی داده ها با رویکرد خروجی محور بوده است و می توان نتیجه گرفت که هرچه نسبت خروجی به ورودی بانک ها بهینه تر و کاراتر بوده سطح توانایی مالی و مدیران در آن بانک نیز در جایگاه بهتری داشته است. همچنین با توجه به مدل محاسبه توانایی مالی مدیران که شامل چهار مولفه ورودی به شرح میزان (حقوق دریافتی، کل دارایی، هزینه های مالی، سپرده های دریافتی) و چهار مولفه خروجی شامل (تسهیلات بانکی، سهم بازار، جریان نقدی آزاد و و درآمدهای عملیاتی) می باشد. در بانک هایی که دارای سطح توانایی های مالی مدیران بالاتر و بهتری بوده اند، میزان کارایی عملکرد مولفه های خروجی به ورودی شان که در قالب کارایی کلی بانک محاسبه شده است، در جایگاه بهتری قرار گرفت. از همین رو یکی از نتایج به دست آمده در این پژوهش تاثیر توانایی های مالی مدیران و کارایی عملکرد مالی بانک ها می باشد. در بخش دوم نیز با توجه به تحلیل نتایج بدست آمده از فرضیه پژوهش که وجود رابطه معنادار به این میزان توانایی های مالی مدیران بر ارزش نقدینگی سرمایه جذب شده داشته است می توان نتیجه گرفت که هر چه میزان توانایی مالی مدیران در سطح بهتری قرار داشته باشد سیستم مالی آن بانک می تواند سطح ارزش نقدینگی سرمایه جذب شده را ارتقاء بخشد، به عبارتی ساده تر سپرده ها و سرمایه هایی که به واسطه اتخاذ سیاست های جذب سرمایه در بانک اتخاذ شده است را به صورت بهینه تری در قالب طرح ها و پروژه های مالی هزینه سرمایه گذاری نموده که خروجی آن منجر به بالابردن ارزش نقدینگی سرمایه جذب شده در بانک می گردد.

نتایج بدست آمده از پژوهش در سه مرحله ارزیابی و تحلیل می گردد.

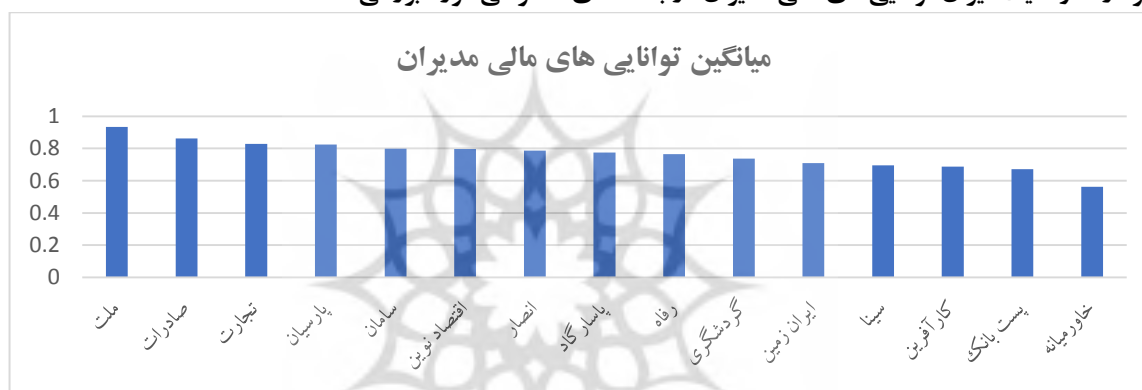
بخش اول: براساس نتایج متغیر مستقل (میزان توانایی های مالی مدیران)

باتوجه به ماهیت متغیر مستقل پژوهش مبنی بر میزان توانایی مالی مدیران که این متغیر براساس عملکرد و کارایی نمود پیدا میکند و توانایی مالی مدیران در قالب میزان کارا بودن و یا نبودن عملکرد و فعالیت های مالی طی مدت زمان پنج سال مورد بررسی قرار گرفته است که در این خصوص از روش تحلیل پوششی داده های استفاده کرده و تمامی ۷۲ مورد که در این پژوهش در بازه ۵ ساله از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفته شده است و براساس چهار شاخص

ورودی (حقوق دریافتی، کل دارایی، هزینه های مالی، سپرده های دریافتی) و چهار شاخص خروجی (تسهیلات بانکی، سهم بازار، جریان نقدی آزاد و و درآمدهای عملیاتی) که از مدل پژوهش استخراج شده است محاسبه شده است که نتایج بدست آمده از روند تحلیل پوششی داده ها به شرح نمودار ذیل است.



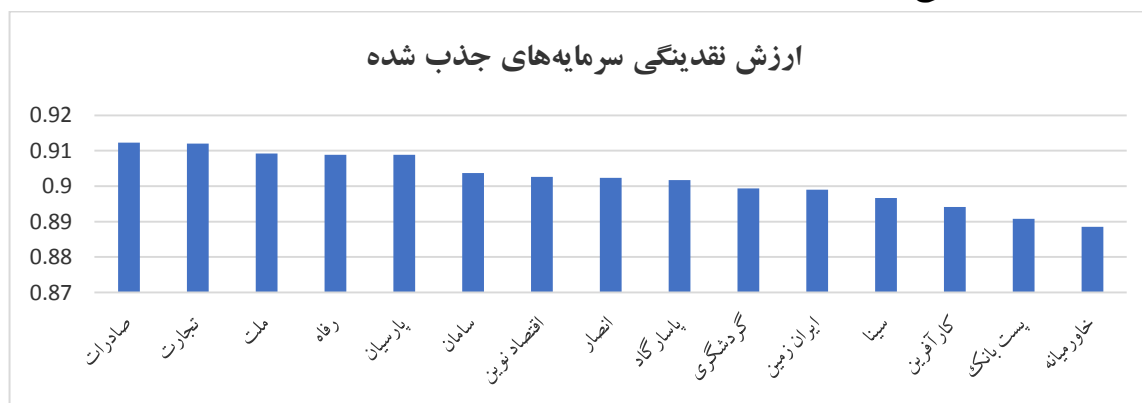
نمودار ۱: وضعیت میزان توانایی های مالی مدیران در بانک های خصوصی مورد بررسی



نمودار ۲: وضعیت میزان توانایی های مالی مدیران هر یک از بانک ها حاصل از برآیند چند سال آنان

بخش دوم: براساس نتایج متغیر وابسته (ارزش نقدینگی سرمایه های جذب)

باتوجه به مدل پژوهش و همچنین نتایج بدست آمده از روند محاسبه و ارزیابی اطلاعات متغیر وابسته ارزش نقدینگی سرمایه های جذب که از برآیند محاسباتی پنج شاخص (نسبت جاری، سودآوری، اندازه شرکت، هزینه های تحقیق و توسعه و ارزش دفتری به بازار) اندازه گیری و محاسبه شده در طی یک بازه پنج ساله از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۷ است، به شرح نمودار زیر است.



نمودار ۳: وضعیت میزان ارزش نقدینگی سرمایه های جذب شده هر یک از بانک ها حاصل از برآیند چند سال آنان

بخش سوم: براساس نتایج آزمون فرضیه

نتیجه آزمون فرضیه تحقیق نشان داد بین توانایی های مالی مدیران و ارزش نقدینگی سرمایه های جذب در پروژه های مالی در بانک های تجاری خصوصی تاثیر و رابطه معناداری دارد، بطوری که در این خصوص ضریب تعیین ۷۳,۳۷ درصد بوده و میتوان نتیجه گرفت که به میزان ۷۲ درصد از افزایش میزان ارزش نقدینگی سرمایه های جذب براساس میزان توانایی های مالی مدیران در بانک های خصوصی می باشد؛ که در این بین نشان می دهد که هر چه میزان توانایی مدیران افزایش یابد باعث افزایش میزان کارایی بانک میگردد و در مرحله بعد باعث میشود که میزان سطح ارزش نقدینگی سرمایه های جذب در بانک بالا رود.

پیشنهادات پژوهشگر

بر اساس نتایج حاصل از فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین میزان توانایی مدیران در ۱۵ بانک طی بازه پنج ساله از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۷ بر میزان سطح کیفیت گزارشگری مالی آنان که براساس اطلاعات مالی تدوین شده است و همچنین نظر به ضریب تعیین و تاثیرگذاری مثبتی که براساس آزمون فرضیه پژوهش بدست آمده است، توصیه میشود که به منظور ارتقاء سطح کیفیت گزارشگری مالی اقدامات و راهکارهای زیر را انجام دهند.

مدیران اقدام به اتخاذ سیاست ها و رویکردهایی که منجر به حفظ سرمایه های فکری موجود در سیستم سازمانی می شود نمایند که به این منظور منجر به توسعه و ارتقاء سطح توانایی مالی مدیران شوند. در این بین میتوانند اقدام به ایجاد مکانیسم های برای جهت دهی مناسب دانش خلق شده در قالب تجارب و مهارت های مالی در سیستم مدیریت دانش سازمان گردند که برای تسهیل در روند انتقال تجارب و بالا رفتن سطح یادگیری سازمانی تاثیرگذارند. همچنین بتوانند اندوخته ها و دانش خلق شده در سیستم که بعضاً در قالب تجارب، رویکردها، مهارت ها، نگرش ها، استراتژی ها و مکانیزم های مالی هستند را به سایر شعب برای بالا بردن سطح توانایی مالی و جهت دهی نگرش های مدیریتی مالی در تمامی شعب برای تحقق اهداف سازمانی صورت گیرد.

لزوم وجود راهکارهایی به منظور افزایش نقدینگی و جذب سرمایه ها برای بالا بردن سطح ارزش دفتری سرمایه های جذب شده در بانک پرننگ میگردد که یکی از راه های بالا بردن روند جذب سرمایه صنعت بانکداری تدوین ایده های جدید و نوآورانه به منظور بالا بردن توانمندی رقابتی و افزایش سهم بازار در مقابل با سایر رقبا می باشد. در این بین می تواند با جذب و پذیرش ایده های جدید در حوزه بازاریابی و یا تدوین تسهیلات هوشمند و رقابتی برای جذب بیشتر مشتریان شود، همچنین بانک ها و موسسات مالی می توانند در این زمینه اقدام به ارائه پروپوزال های طرح ها و پروژه های بزرگ متوسط برای تسریع جذب سرمایه خرد و کلان در جامعه نمایند.

به منظور استخراج استراتژی های موفق و همچنین ناموفق مالی بانک ها، لازم است که تیم از سرمایه های فکری سیستم بانکداری برای تحلیل و تجزیه و تحلیل آنان به منظور ایجاد الگوی مناسب و منطبق بر نیازها و اهداف سازمانی ایجاد گردد تا بدین واسطه عوامل موثر که منجر به ایجاد کارگروهی استراتژی موفق شده اند، مشخص شوند و برای تکرار چنین رویکردهایی از آنان استفاده شود. از طرفی استراتژی های ناموفق که منجر به کاهش سودآوری و یا ضرر در سیستم مالی گردیده است نیز تحلیل و بررسی شود تا بدین واسطه موانع مشکلات و ضعف های موجود شناسایی و راهکاری برای بهبود و رفع آن اتخاذ گردد.

لزوم وجود نگاه تحقیقاتی و توسعه‌ای در سازمان به منظور حل مشکلات سیستم و رویکردهای مالی و همچنین پیدا کردن راه‌ها و روش‌های جدید و نوآورانه برای خلق ارزش بیشتر و کوتاه نمودن مسیرها و فرآیندهایی که منجر به کسب سود در سیستم بانکی میگردند شوند. از همین رو مدیران و سیاستگذاران می‌توانند ضمن تقویت تیم‌های تحقیقاتی در موسسات مالی اقدام به انتقال الگوها و مدل‌های موفق پژوهشی در سیستم بانکداری خود نمایند تا بدین واسطه بخش تحقیقاتی سازمان بتواند فعالیت‌ها و رویکردهای منطبق بر نیاز واقعی مالی بانک را ایجاد نمایند.

لازم است که سیستم مالی بانک‌ها اقدام به ایجاد الگو و مدلی اثربخش و منطبق بر عملکرد و فرایند واقعی نمایند تا در جریان‌های مالی منجر به کسب سود در سازمان شوند. تا بدین واسطه الگوی اثربخشی براساس نسبت ورودی به خروجی و همچنین درصد سود محتمل بر این فرایند به دست آید تا بدین واسطه سیاست‌گذاران و مدیران بتوانند به راحتی عملکرد جاری و آتی بانک را منطبق بر عملکرد گذشته که بر اساس فرایندهای ورودی و خروجی بانک بوده است، پایش، کنترل و نظارت نمایند؛ که این امر منجر به ایجاد سیستم برای کشف ناهماهنگی و بازه‌های خارج از رویه نرمال می‌گردد.

منابع

۱. سیرغانی، محمد علی، عرفی زاده صالح، سعید. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر جریان وجه نقد آزاد و فرصت‌های رشد بر کیفیت افشا و همزمانی بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال هشتم، شماره ۲۵.
۲. جمشیدی، علی، دلاوری کاشانی، سحر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مدیریت منابع مالی و بهبود بهره‌وری تصمیم‌گیری مدیران (مطالعه موردی: شرکت‌های دانش بنیان شهر تهران). سومین کنفرانس سالانه مدیریت و اقتصاد کسب و کار، تهران، پژوهشکده مدیریت و توسعه پژوهشگاه فرهنگ و هنر.
۳. حسنی القار، مسعود، مرفوع، محمد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تقسیم سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۰۳-۱۲۹.
۴. سلیمانی، ابوالفضل. (۱۳۹۷). بررسی رابطه اندازه شرکت، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و حجم معاملات با سودهای مومنتوم و معکوس در بازار سرمایه ایران. یازدهمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و هفتمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
۵. عزیز، آذر، موسوی، سیدابراهیم. (۱۳۹۴). ارزیابی توانایی نسبت‌های مالی در سنجش اثربخشی تولید بهنگام (مطالعه موردی: صنعت خودرو سازی). کنفرانس بین‌المللی جهت‌گیری‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تبریز، سازمان مدیریت صنعتی نمایندگی آذربایجان شرقی.
۶. دهقان زاده، حامد. (۱۳۹۷). تأخیر در گزارش حسابرسی: با تأکید بر ویژگی‌های شرکت. کنفرانس ملی مطالعات نوین اقتصاد، مدیریت و حسابداری در ایران. کرج، دانشگاه جامع علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری‌ها.
۷. برادران حسن زاده، رسول، جبارزاده کنگرلویی، سعید، قادرزاده، عبدالله. (۱۳۹۲). ارائه الگوی افشاء اجباری و اختیاری مبتنی بر حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر مدیریت هزینه سرمایه. مطالعات کمی در مدیریت، ۴ (۱۴)، ۱۳۷-۱۰۲.

۸. شاداب شمس آباد، نیلوفر، حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۷). نگرشی مفهومی به تعامل حسابرس و صاحبکار با تأکید بر نقش آفرینی محافظه کاری حسابداری، همایش بین المللی مدیریت، حسابداری و اقتصاد دانش بنیان، مشهد، موسسه تعاونی دانش بنیان کمرآوش.

9. Aliahmadia, S., Jamshidib, A., & Mousavia, R. (2016). The Managerial Ability and Value of Cash: Evidence from Iran.
10. Abbott, L. J., Daugherty, B., Parker, S., & Peters, G. F. (2016). Internal audit quality and financial reporting quality: The joint importance of independence and competence. *Journal of Accounting Research*, 54 (1), 3-40.
11. Berglund, N. R., Herrmann, D., & Lawson, B. P. (2018). Managerial Ability and the Accuracy of the Going Concern Opinion. *Accounting and the Public Interest*.
12. Borisova, G., Fotak, V., Holland, K., & Megginson, W. L. (2015). Government ownership and the cost of debt: Evidence from government investments in publicly traded firms. *Journal of Financial Economics*, 118 (1), 168-191.
13. Castroa, P., Fernández, M.T.T., Amor-Tapia, B., & Miguel, A.D. (2016). Target leverage and speed of adjustment along the lifecycle of European listed firms. *Business Research Quarterly*, 19 (3), 188-205.
14. Chang, H., Ishida, S., & Kochiyama, T. (2018). Evaluation of Managerial Ability in Japanese Setting.
15. Chang, W. K. (2018). How Does Managerial Ability Influence the Firms' Debt Maturity?.
16. Chen, T. Y., Zhang, G., & Zhou, Y. (2018). Enforceability of non-compete covenants, discretionary investments, and financial reporting practices: Evidence from a natural experiment. *Journal of Accounting and Economics*, 65 (1), 41-60.
17. Choi, S. H., Baik, B., & Farber, D. (2018). Managerial Ability and Income Smoothing.
18. Cornaggia, K. J., Krishnan, G. V., & Wang, C. (2017). Managerial ability and credit ratings. *Contemporary Accounting Research*, 34 (4), 2094-2122.
19. Cornaggia, K. J., Krishnan, G. V., & Wang, C. (2017). Managerial ability and credit ratings. *Contemporary Accounting Research*, 34 (4), 2094-2122
20. Davidson, R., Dey, A., & Smith, A. (2015). Executives' "off-the-job" behavior, corporate culture, and financial reporting risk. *Journal of Financial Economics*, 117(1), 5-28
21. Demerjian P., Lev B, McVay S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, Vo158 (7), pp: 1229 1248

22. Demerjian, P., Lewis-Western, M., & McVay, S. (2017). How does intentional earnings smoothing vary with managerial ability?. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 0148558X17748405.
23. Gaynor, L. M., Kelton, A. S., Mercer, M., & Yohn, T. L. (2016). Understanding the relation between financial reporting quality and audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 35 (4), 1-22.
24. Koester, A., Shevlin, T., and Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance, working paper
25. Kurt, A. C. (2018). How do financial constraints relate to financial reporting quality? Evidence from seasoned equity offerings. *European Accounting Review*, 27 (3), 527-557.
26. Lee, C. C., Wang, C. W., Chiu, W. C., & Tien, T. S. (2018). Managerial ability and corporate investment opportunity. *International Review of Financial Analysis*, 57, 65-76.
27. Li, S., & Richie, N. (2016). Income smoothing and the cost of debt. *China Journal of Accounting Research*, 1-16.
28. Lin, C. T., Hu, M., & Li, T. (2018). Managerial Ability and Corporate Capital Structure.
29. Lin, C. T., Hu, M., & Li, T. (2018). Managerial Ability and the Speed of Leverage
30. Lobo, G. J., Xie, Y., & Zhang, J. H. (2018). Innovation, financial reporting quality, and audit quality. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 51(3), 719-749.
31. Ma, L., Ma, S., & Tian, G. (2017). Corporate opacity and cost of debt for family firms. *European Accounting Review*, 26 (1), 27-59.
32. Rubin, A., & Segal, D. (2017). Directors skill and financial reporting quality. *Journal of Business Finance & Accounting*.
33. Supra, B., Narender, V., Jadiyahpa, N., & Girish, G.P, (2016). Speed of adjustment of capital structure in emerging markets, *Theoretical Economics Letters*, 6 (1), 534-538.
34. Wang, Z., Chen, M. H., Chin, C. L., & Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36 (2), 141-162.
35. Zhou, Q., Keng Tan, K.J., Faff, R., & Zhu, Y, (2016). Deviation from target capital structure, cost of equity and speed of adjustment, *Journal of Corporate Finance*, 39 (1), 99-120.

The effect of managers' financial capabilities on the liquidity value of capital attracted in the economic activity of private banks with DEA approach

Mehrnaz Hakami¹
Sina Abouie Mehrizi^{*2}
Ammar Feyzi³
Amir Ghorbani Gogdarghi⁴

Date of Receipt: 2021/03/05 Date of Issue: 2020/03/21

Abstract

The purpose of this article is to examine the financial capabilities of managers on the liquidity value of capital raised in private banks. Based on the financial statements of 15 private banks during the period of five years from 1393 to 1397, data has been collected based on a conceptual model regarding two dependent and independent variables. In the second step, the amount of liquidity of the attracted capital is calculated based on the conceptual model and the relevant formula, and finally, after performing multivariate regression equation tests, as well as performing precondition tests and calculating the normality of the data. The main hypothesis has been tested to determine the relationships and effects between variables and the liquidity value of absorbed capital. The results shown that there is a significant relationship and a positive effect between the level of financial capabilities of managers in private banks and the level of liquidity value of absorbed capital.

Keywords

Ability of Managers, Liquidity Value of Attracted Capital, Private Banks, Tehran Stock Exchange.

1. PhD Student, Accounting, Faculty of Management and Accounting, Firoozkooh Islamic Azad University, Tehran, Iran. (hakami.m2112@gmail.com)
2. Assistant Professor, PhD in Industrial Management, Production and Operations, Islamic Azad University, Firoozkooh Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author: abouie.phd@gmail.com)
3. Assistant Professor, Ph.D in Industrial Management, Production and Operations, Islamic Azad University, Saveh Branch, Iran (ammarfeyzi@live.com)
4. PhD Student (Lecturer, Islamic Azad University, Shahr-e-Quds Branch), Accounting, Faculty of Management and Accounting, Kashan Islamic Azad University, Esfahan, Iran (amirghorbani54@yahoo.com)